

## Comparing the Structure of the Arabic and Persian Translations of “Prophet” Gibran Khalil Gibran (Based on the Model of Carmen Garces)

**Mohammad Kabiry** \* 

Assistant Professor, Department of Arabic  
Language and Literature, The Supreme National  
Defense University, Tehran, Iran

**Behzad Heshmati** 

Assistant Professor, Department of Arabic  
Language and Literature, The Supreme National  
Defense University, Tehran, Iran

**Bayazid Tand** 

Ph.D. in Arabic Language and Literature,  
University of Tehran, (Included in the Alternative  
Plan for Military Service of the Supreme National  
Defense University), Tehran, Iran

### Abstract

Translation is the most original type of thought, which is the agent of transferring a culture from one place to another, in fact, it is a kind of complement to domestic production. Considering its hermetic nature, it always plays a significant role in the production of new ideas. Comparing the structure of different languages helps linguistic studies in a way, from the heart of these comparisons, we somehow get to the structural differences and characteristics of various languages. Gibran Khalil Gibran is a Lebanese-American writer. The novel "Prophet" is one of his most famous works, which has been translated into Arabic and Persian, its key concepts are happiness, sadness, love, work, pleasure, and religion. The present research has compared the Persian and Arabic translations of the novel against the original text of the novel, which is in English, by referring to the descriptive-analytical approach and providing various examples of various linguistic structures, so that various types of different structures of the three languages have been discovered from it, and by comparing the translations, the differences and the distinction between their syntactic and lexical structure were clearly revealed. On the other hand, the evaluation rate of the Arabic and Persian translations of the novel has been investigated based on the model of Carmen Garces. One of the most important results of the discussion is that sometimes the Persian translator, based on his own literary spirit, has created changes in the structures and compositions of the novel, which are somehow mixed with his feelings and literary nature, and this is the mode of expression that has given in the Persian translation of the novel additional interpretative emotions. It has given a double interpretation, while the Arabic translation of the novel shows signs of copying and apparent adaptation of the original text.

**Keywords:** Prophet Novel, Gibran Khalil Gibran, Arabic Translation Structure, Persian Translation Structure, Carmen Garces Model.


---


\* Corresponding Author: m.kabiri14@gmail.com


**How to Cite:** Kabiry, M., Heshmati, B., Tand, B. (2023). Comparing the Structure of the Arabic and Persian Translations of “Prophet” Gibran Khalil Gibran (Based on the Model of Carmen Garces). *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 12(27), 37-67. doi: 10.22054/RCTALL.2022.69296.1640



## مقایسه ساختار ترجمه عربی و فارسی رمان «پیامبر» جبران خلیل جبران (براساس الگوی کارمن گارسس)

محمد کبیری\*  استادیار، گروه زبان عربی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

بهزاد حشمتی  استادیار، گروه زبان عربی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، (در طرح جایگزین خدمت سربازی دانشگاه عالی دفاع ملی گنجانده شده است)، تهران، ایران  بایزید تاند

### چکیده

ترجمه، اصیل‌ترین نوع فکر و اندیشه است که عامل انتقال یک فرهنگ از یک مکان به مکان دیگری است؛ در حقیقت نوعی مکمل تولید داخلی است و با توجه به ماهیت هرمونتیکی آن همواره در تولید اندیشه‌های جدید نقش بسزایی ایفا می‌کند. مقایسه ساختار زبان‌های متنوع به نوعی به مطالعات زبان‌شناسی کمک و آفری می‌کند و از دل این مقایسه‌ها به تفاوت‌های ساختاری و خصیصه زبان‌های متنوع نائل می‌شویم. جبران خلیل جبران، نویسنده لبنانی-آمریکایی است و رمان «پیامبر» جزء مشهورترین آثار او به شمار می‌آید که به زبان عربی و فارسی نیز ترجمه شده است. مفاهیم کلیدی این کتاب پیرامون شادی، اندوه، عشق، کار، لذت و دین سخن می‌گوید. تحقیق حاضر با استمداد جستن از رویکرد توصیفی-تحلیلی و آوردن مثال‌های متنوع از ساختارهای گوناگون زبانی به مقایسه ترجمه فارسی و عربی رمان در مقابل متن اصلی که به زبان انگلیسی است، می‌پردازد؛ به طوری که از دل آن انواعی از ساختارهای مختلف سه زبان کشف شده و با مقایسه ترجمه‌ها، تفاوت و تمایز ساختار نحوی و واژگانی آن‌ها به وضوح آشکار شده است. علاوه بر این، میزان ارزیابی ترجمه عربی و فارسی رمان براساس الگوی کارمن گارسس مورد بررسی قرار گرفته است. از مهم‌ترین نتایج بحث این است که گاهی مترجم فارسی مبتنی بر روحیه ادبی خودش تغییراتی در ساختارها و ترکیب‌های رمان به وجود آورده که به نوعی با احساسات و سرشت ادبی او آمیخته شده است و همین حالت از بیان است که به ترجمه فارسی رمان، هیجانات تعبیری مضاعفی بخشیده است؛ این در حالی است که ترجمه عربی رمان نشانه‌هایی از گرت‌برداری و اقتباس ظاهری متن اصلی در آن دیده می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** رمان «پیامبر»، جبران خلیل جبران، ساختار ترجمه عربی، ساختار ترجمه فارسی، الگوی کارمن گارسس.

## مقدمه

ترجمه فعالیتی است که از طریق آن، یک متن از یک زبان؛ یعنی زبان مبدأ به زبان دیگر؛ یعنی زبان مقصد منتقل می‌شود و در نتیجه این فعالیت، امکان دستیابی به محتوای یک متن که در زبان و فرهنگ دیگر نگاشته شده است برای مخاطبان در زبان و فرهنگ دیگر فراهم می‌شود (حقانی، ۱۳۹۹: ۵۳).

ترجمه به عنوان یک عامل فاصله‌گیر از هویت سنتی انسان‌ها در جوامع مختلف، مسئولیت روند متمدن کردن و تقویت ذات انسانی را برعهده گرفته است؛ به طوری که زمینه را برای هر نوع اندیشه و تفکر جدیدی فراهم کرده است که در لابه‌لای آن نوعی مفاهیم مدرن و جدید در جامعه زبان مقصد رونمایی می‌کند. از جهت دیگر، ترجمه به عنوان یک ابزار تأثیرگذار مثبت سعی می‌کند جامعه را با جهان جدید آشنا کند و مترجم بنا بر نیاز جامعه، هرگونه اندیشه جدیدی را در فضای خالی جامعه تولید کند؛ در حقیقت مترجم یک فکر را انتقال می‌دهد و سعی می‌کند مخاطبان را با شیوه‌های روایی متنوعی آشنا کند.

رمان «پیامبر» مشهورترین کتاب جبران خلیل جبران است. این رمان پیرامون مفاهیم کلیدی اخلاق، فلسفه، عرفان، عشق، شادی، اندوه، زیبایی و دین سخن می‌گوید؛ به طوری که این اثر سرشار از کهن‌الگویی ناخودآگاه است و با روح اساطیر و افسانه‌ها آمیخته شده، همواره تمامی عناصر و شخصیت‌های رمان، انتظار کشف حقیقت و بازنمایی «من» خودآگاه را می‌کشند.

مقاله پیش رو تلاش داشته است تا با مقایسه ترجمه عربی و فارسی رمان «پیامبر» جبران خلیل جبران، زمینه‌هایی برای کشف ساختار سه زبان انگلیسی، عربی، فارسی فراهم کند؛ به طوری که با مقایسه آن، ساختارها، تمایزها و شباهت‌های ساختاری سه زبان کشف می‌شود. علاوه بر این، با استمداد جستن از الگوی ارزیابی ترجمه کارمن گارسس<sup>۱</sup> میزان نظامندی و اصولی بودن ترجمه به منصفه ظهور می‌رسد و همین حالت است که به نوعی فرآیند ترجمه صحیح و قانونمند را برای مترجمین فراهم می‌کند. از جمله سوال‌های تحقیق که در پی جواب دادن آن هستیم دو سؤال زیر است:

---

1. Garces, C.

- تمایزها و شباهت‌های ساختاری سه زبان انگلیسی، عربی، فارسی رمان «پیامبر» جبران خلیل جبران چگونه است؟
- الگوی ارزیابی ترجمه براساس مدل کارمن گارسس چگونه نظام‌مندی و اصولی بودن ترجمه رمان را نشان می‌دهد؟

### پیشینه پژوهش

مقاله «تحلیل و نمادپردازی (پیامبر) نوشته جبران خلیل جبران با توجه به کهن الگوهای روانشناسی یونگ» نوشته جعفری (۱۳۸۹) است. با توجه به اینکه این اثر جبران سرشار از مفاهیم اخلاقی، عرفانی و دینی و فلسفی است، درونمایه این اثر سفر درونی و عرفانی است. در این سیر درونی، فعالیت انواع کهن الگوها و نمادهای مرتبط با این فرآیند باطنی توسط نگارنده مقاله بررسی شده است.

در مقاله «نگاه انتقادی به ترجمه‌های کتاب پیامبر اثر جبران خلیل جبران» نوشته باقری (۱۳۹۴)، نویسنده سعی کرده خطاهای مترجمان را آشکار کند و در پی اصلاح آن تلاش می‌کند.

در مقاله «نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب «حمام روح» بر پایه مدل گارسس»، گرجی و رستم‌پور ملکی (۱۴۰۰) ترجمه منتخب آثار جبران خلیل جبران در کتاب «حمام روح» سید حسن حسینی را براساس چهار سطح مدل گارسس مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند؛ به طوری که با نوعی آمار و احصا، راهکارهای این ترجمه منتخب را بررسی کرده‌اند.

در مورد تحقیق حاضر، ترجمه رمان «النبی» تاکنون توسط الهی‌قمشه‌ای، بندری و مقصودی انجام شده است، اما آنچه مد نظر ما است ترجمه فارسی مقصودی و ترجمه عربی ثروت عکاشه است؛ به طوری که از دل این ترجمه‌ها به نوعی به مقایسه ساختارهای ترجمه عربی و فارسی رمان می‌پردازیم و سپس براساس الگوی کارمن گارسس، ترجمه‌ها را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهیم. طبق بررسی‌ها، تاکنون چنین تحقیقی با حالت مقایسه‌ای میان ساختار سه زبان انگلیسی، عربی و فارسی در رمان پیامبر جبران صورت نگرفته است، از این رو، این حالت مقایسه‌ای ساختاری و زبانی ترجمه‌ها به اهمیت و نوآوری تحقیق می‌افزاید.

## یافته‌های

### ۱. ادبیات نظری

#### ۱-۱. ترجمه

ترجمه، برگرداندن سخن است از زبانی به زبانی دیگر، همراه با رعایت و حفظ معنی و مقصود (مخلص، ۱۳۸۸: ۲۳). ترجمه بهترین وسیله برای بیان افکار و اندیشه‌ها و آگاهی از پیشرفت‌ها، آراء و عقاید و نظرات ملل و ارزشمندترین و کم هزینه‌ترین روشی است که می‌توان به واسطه آن تجارب دیگر ملل را در اختیار هم‌زبانان خود قرار داد. ترجمه عامل مهمی است برای بسط آگاهی و به دست آوردن اسقلال فکری، عقیدتی و حتی اقتصادی (زرکوب، ۱۳۸۸: ۱۲). ترجمه یکی از راه‌های شناختن و شناساندن تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف است که همواره ملت‌ها را به تمدن و روند فرهنگ‌سازی نزدیک می‌کند؛ به طوری که کمک شایانی به عوامل فرهنگی همه ملت‌های متمدن کرده است. ترجمه در لفظ به معنی نقل و انتقال یا منتقل شده است؛ همان روندی است که متن مبدأ متحمل می‌شود تا اینکه تبدیل شود به متن مقصد که به صورت تولید نهایی همان کتاب و متون در اختیار مخاطبین قرار داده می‌شود. زبانی که ما برای ترجمه به آن متوسل می‌شویم تنها یکی از وسیله‌های انتقال ترجمه متن است. از جمله روش‌های دیگر، کارکرد علائم و نشانه‌های غیرزبانی است، ساده‌ترین آن همان علائم راهنمایی و رانندگی است.

#### ۱-۲. تأثیر بافت و گفتمان در ترجمه

حتیم و میسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۰ و ۱۱۹۷) در دو اثر مشترک خود برخلاف بیکر<sup>۲</sup> که بیشتر به نقش متنی<sup>۳</sup> توجه داشت، توجه ویژه‌ای به دو نقش دیگر زبان؛ یعنی نقش اندیشگانی<sup>۴</sup> و نقش بینافردی<sup>۵</sup> دارند و سطح گفتمانی<sup>۶</sup> را در تحلیل ترجمه‌ای خود گنجانده‌اند.

---

1. Hatim, B & Mason, I

2. Baker, M.

3. textual

4. ideational

5. interpersonal

6. discourse

مدل حتیم و میسون، یک مدل ترکیبی پایین به بالا و بالا به پایین است و ترجمه را با توجه به بافت موقعیتی تحلیل می‌کند؛ بافتی که به تغییرات در ترجمه در دو سطح کاربرد زبان<sup>۱</sup> و کاربر زبان<sup>۲</sup> مشتمل بر گویش<sup>۳</sup> حساس است.

آن‌ها معتقدند که زبان و متن نمود واقعی ایدئولوژی، پیام‌های اجتماعی - فرهنگی و روابط قدرت است. از این رو، گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کنند: «گفتمان شکلی از گفتار و نوشتار است که گروه‌های اجتماعی را مجبور به اتخاذ گرایش‌های خاصی به فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی می‌کند». بنابراین، در مدل حتیم و میسون، هم توجه به ریزساختارها وجود دارد و هم کلان ساختارها (گفتمان، ایدئولوژی، مناسبات قدرت، بی‌عدالتی، نژادگرایی و...) (صنعتی‌فر، ۱۳۹۹: ۷۶).

به اعتقاد لیچ<sup>۴</sup>، مفهوم بافت به این دلیل مطرح شد تا زبان را از حوزه فعالیت ذهنی محض و تحت تأثیر درون‌گری نامعتبر برهاند و در شرایطی قرار دهد که بتوان در موردش مشاهده و آزمون عملی انجام داد. این دیدگاه در واقع، موقعیتی عینی است که زبان در آن، مورد استفاده قرار می‌گرفت و کارهای متعددی به کمک زبان در آن موقعیت‌ها انجام می‌شود؛ کارهای نظیر خرید بلیط قطار، دستگیری توسط پلیس و ... (گندمکار، ۱۳۹۷: ۱۷۴).

با توجه به توضیحات بالا، مفهوم بافت از عوامل درونی زبانی فاصله می‌گیرد و زبان را به یک مکانیزم فعال و دینامیک تبدیل می‌کند؛ یعنی به جای مجموعه‌ای از ویژگی‌های ثابت که در زبان وجود دارد در بافت زبانی، یک سری از شالوده‌های خارجی و انعطاف‌پذیر موجود است که نهفته‌ترین سایه‌های زبان را بیان و آشکار می‌کند؛ به طوری که از لابه لای آن، پویایی و نشاط برای سازه‌های زبانی حاصل می‌شود.

---

1. language use  
2. language user  
3. dialect  
4. Leech, G.

### ۱-۳. اهمیت ترجمه

ترجمه به هر شکلی انجام شود و تأثیرات آن هر چه باشد، مبرهن است که این پدیده که به عنوان مهم‌ترین فرآیند میانجگری در پهنه زبان‌ها و فرهنگ‌ها مطرح است، همچنان پرسش‌های مسئله‌آفرینی در مورد ماهیت ارتباطات مطرح می‌کند. علاوه بر این، ترجمه در به دست دادن روش‌ها و ابزارهایی که از طریق آن‌ها جوامع و افراد مختلف بتوانند با یکدیگر تعامل انجام دهند و از همدیگر کسب علم کنند، همچنان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا خواهد کرد (توانگر، ۱۳۹۹: ۱۲۹).

ترجمه خوب، ترجمه‌ای است که بتواند همان تأثیر متن اصلی را در خواننده بگذارد. ب‌رای انتقال این تأثیر، رعایت سبک و اسلوب نویسنده اهمیت زیادی دارد (ناظمیان، ۱۳۸۹: ۳۴).

بنابراین، ترجمه به عنوان یک هنر و فن بر پایه اصول و ساختاری استوار است؛ مترجم برای ایجاد پل ارتباطی بین فرهنگ‌ها باید در وهله اول معانی تمام کلمات و اصطلاحات را بلد باشد. در گام بعدی باید ساختار و قواعد هر دو زبان را به کامل‌ترین شکل مدنظر قرار دهد؛ اگر ترجمه ادبی باشد باید بر علم بلاغت مسلط باشد به شیوه‌ای که همه تصویرهای فنی و صور خیال زبان مبدأ را تشخیص دهد تا بتواند معادل دقیق آن را در زبان مقصد جست‌وجو کند، سپس آنچه ترجمه او را پر بار و غنی می‌کند همان شناخت فرهنگ دو زبان است؛ به طوری که در انتخاب جایگزینی‌ها نهایت تفنن و هنر را به خرج دهد.

### ۲. کارمن والرو گارسس

استاد ارتباطات بین فرهنگی، نظریه‌پرداز و مترجم، «کارمن والرو گارسس» متولد سال ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا است. وی عضو هیئت علمی و استاد ممتاز دانشگاه «آلکالا» است. از جمله مسئولیت‌های او می‌توان به عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا، مدیر آموزش ترجمه و... اشاره کرد.

الگوی پیشنهادی گارسس مشتمل بر چهار سطح تحلیلی بوده و در سال ۱۹۹۴ میلادی معرفی شده است. گارسس خود به این نکته اذعان دارد که سطوح پیشنهادی‌اش گاهی با هم تداخل دارند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

## ۱-۲. سطح اول: معنایی - لغوی

### ۱-۱-۲. ترجمه لغت برحسب اختلافات فرهنگی، فنی و زبانی

در «ترجمه لغت برحسب اختلافات فرهنگی، فنی و زبانی»، یک واژه به دلایل مختلف در زبان مقصد به صورت عبارت اسمی یا شبه‌جمله معادل‌یابی می‌شود. در این روش، اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند و به تعریف لغت اضافه می‌شود (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۷). نمونه این نوع ترجمه را می‌توان در مقطع انگلیسی زیر که اسم یک نوع گل آمده، مشاهده کرد؛ مترجم عربی همان معادل انگلیسی را در ترجمه آورده در حالی که مترجم فارسی معادل فرهنگی فارسی آن را در ترجمه وفق داده است:

متن اصلی:

The soul unfolds itself, like a lotus of countless petals (Gibran, no date).

ترجمه عربی: وانما هی تتفتح كزهرة اللوتس، أکامها لاتحصی (عکاشه، ۲۰۰۰: ۵۹).  
ترجمه فارسی: و به کار رویش، کناری شود ستبر یا صد هزار برگ بر آورده به خورشید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۷۰).

در ساختار ترجمه عربی همان معادل انگلیسی گرت‌برداری شده در حالی که در ترجمه فارسی معادل گل (lotus) (درخت سدر، درخت کنار و یک جور نیلوفر آبی) است؛ از این رو، مترجم فارسی از راهبردهای فرهنگی همچون معادل‌سازی بومی غافل نمانده است.

### ۲-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی

در روش «معادل فرهنگی یا کارکردی» واژه فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود. در این مورد، معمولاً برگردان به سادگی مورد پیش نیست و استفاده از فرهنگ دو زبانه نیز کمک‌چندانی به یافتن معادل نمی‌کند، بلکه مترجم باید به دانش فرازبانی و شم زبانی - فرهنگی خود اتکا کند و از خود بپرسد در



زبان مادری او چنین مفهومی در چنین موقعیتی به چه نحو ممکن است بیان شود (میرزاسوزنی، ۱۴۰۰: ۳۵). می‌توان مثال زیر را برای این مورد تطبیق داد:

متن اصلی:

for that which is boundless in you abides in the mansion of the sky, whose door is the morning mist, and whose windows are the songs and the silences of night (Gibran, no date, 20).

ترجمه عربی: فإن غیر المحدود فیکم یقطن مملکة السماء، بابها ضباب الصباح، ونوافذها اناشید اللیل وسکینته (عکاشه، ۲۰۰۰: ۳۵).

ترجمه فارسی: زنه‌ار، حقیقت این است آن دلپذیر که در درون شما بی قرار است و بی لجام، در عمارت شگفت آسمان منزل کند، آنجا که دروازه‌اش لطافت مه‌آلود سپیده باشد و دریچه‌هایش سکوت و نجوای شب (مقصودی، ۱۳۷۶: ۵۲).

با توجه به ترجمه‌های فارسی و عربی مقطع بالا، می‌توان فاصله میان ترجمه فارسی و متن انگلیسی از هم تفکیک داد؛ مترجم فارسی با کاربرد کلمه «لطافت» برای ترکیب «مه‌آلود سپیده» به اعماق زبان فارسی نفوذ کرده است. همچنین کاربرد کلمه «دریچه‌ها» به جای «پنجره‌ها» به شدت معادل فرهنگی کلمه را در زبان فارسی مدنظر قرار داده است. همچنین کاربرد واژه ترکیبی «هوای دل» توسط مترجم فارسی در ترجمه «passion» که معادل عربی آن «عاطفه» است در ترجمه مقطع زیر به نوعی معادل فرهنگی آن را مدنظر قرار داده است:

متن اصلی:

for reason, ruling alone, is a forse confining, and passion, unattended, is a flame that burns to its own destruction (Gibran, no date: 31).

ترجمه عربی: فالعقل إذا سیطر وحده بات قوة تقیدکم، والعاطفة إذا ترکت وشأنها دون وازع غدت لهیبا یتلظى حتی تخمد (عکاشه، ۲۰۰۰: ۵۴).

ترجمه فارسی: که چون عقل یکه بتازد، زنجیری سخت به کار زندگی شود و چون هوای دل بی مهار حکومت کند همچون زبانه‌های سرکش برفروزد و تا بنیاد به تباهی کشد تا که هستی خود نیز بسوزد (مقصودی، ۱۳۷۶: ۷۴).

ترجمه فارسی با بهره‌گیری از فرصت‌های استفاده از کلماتی که مختص فرهنگ فارسی هستند به نوعی در پی آن بوده که از زبان مبدأ فاصله بگیرد؛ حتی معادل عربی «عاطفه» هم به کار برده نشده است؛ از این جهت حرکت مثبت فرهنگی در ترجمه مقطع دیده می‌شود و همین حالت است که به زمینه کارکرد فرهنگی ترجمه، طبق الگوی کارمن قدرت بخشیده است.

### ۲-۱-۳. اقتباس

«اقتباس» به معنای استفاده از معنای نزدیک و یا به کار بردن معادل جا افتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی مفید است، این حالت را می‌توان در مقارنه ترجمه فارسی و عربی مقطع انگلیسی زیر مشاهده کرد:

متن اصلی:

for in reverie you cannot rise above your achievements nor fall lower than your failures (Gibran, no date: 50).

ترجمه عربی: فإنيك لا تستطيع حين تحلق في سماء أحلامك، أن تسمو فوق ما علوت، ولا أن تهبط دون ما سقطت (عكاشه، ۲۰۰۰: ۸۶).

ترجمه فارسی: که در پهنه پندار و خلسه خیال، فراتر از پیروزی‌های خود بر نشوید، و فروتر از شکست‌های خود نروید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

واژه «reverie» در زبان انگلیسی معادل «عالم خیال، خیال‌پردازی و عالم رویا» در فارسی معنی می‌شود، حال آنکه ترجمه عربی آن با نوعی استعاره مکنیه «پرواز در آسمان آرزو» معادل‌یابی شده است. در ترجمه عربی سعی بر آن شده که پیام از طریق اقتباس انتقال یابد. در ترجمه فارسی این شیوه از ترجمه پررنگ‌تر شده و مترجم با کارکرد ترکیب‌های «خلسه خیال و پهنه پندار» کاملاً از ترکیب‌های نزدیک به زبان مبدأ اقتباس کرده است تا جایی که برای دستیابی به هدف غایی ترجمه، دست‌آویز استعاره‌ها و واژه‌های متمایز از زبان مبدأ شده است؛ برای مثال، واژه «خلسه» که به معنای حالتی است

از تن آرامی و ورزش‌هایی همراه با تمرکز ذهن و تجارب روحی متعالی عرفانی در زبان مبدأ معادلی برای آن تصور نمی‌شود.

## ۲-۱-۴. بسط نحوی

اصطلاح «بسط نحوی» به معنای افزودن یک یا چند کلمه به متن ترجمه به خاطر ضرورت دستور زبان است. گارسس این روش را دقیق نمی‌داند، زیرا گاهی به صورت شمی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۸). برای نمونه در ترجمه عربی مقطع زیر شاهد یک نوع بسط نحوی هستیم:

متن اصلی:

you pray in your distress and in your need ; would that you might pray also in the fullness of your joy and in your days of abundance (Gibran, no date: 42).

ترجمه عربی: أنتم تصلون إذا مسكم ضرا أو أعوزتكم حاجة، ولیتکم تصلون إذا غمر قلوبکم الفرح، عمر ایامکم الرخاء (عکاشه، ۲۰۰۰: ۷۳).

ترجمه فارسی: به روزگار پریشانی و نیاز است که روی با خدا نمایید، و دست به دعا گشایید، باشد که به منتهای بی‌نیازی و سرخوشی نیز دل به نیایش دهید و ثناگوی حق شوید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۰۲).

«تبادل معنایی اهمیت بیشتری نسبت به تعادل واژی- دستوری دارد و تعادل بافتی احتمالاً بیش‌ترین ارزش را داراست» (خان‌جان، ۱۴۰۰: ۱۱۷). همانطور که نمایان است، ترجمه عربی از رابطه تعادلی نحوی فاصله گرفته، اما از لحاظ تعادل مفهومی توانسته حق متن و مفهوم آن را ادا کند؛ این در حالی است که ساختار نحوی ترجمه فارسی به ساختار نحوی متن انگلیسی بسیار نزدیک است و در هر دو زبان سعی شده بیشتر جمله اسنادی اسمیه به کار برده شود، اما ترجمه عربی بیشتر به ساختار جمله فعلیه اسنادی متمایل است.

## ۲-۱-۵. قبض نحوی

عکس روش قبلی (بسط نحوی)، «قبض نحوی» است و به معنای به کار بردن یک واژه زبان مقصد است در برابر چند واژه زبان مبدأ. نمونه این مورد را می‌توان در ترجمه مقطع انگلیسی زیر تطبیق کنیم:

متن اصلی:

and seek not the depths of your knowledge with staff or sounding line (Gibran, no date: 34).

ترجمه عربی: أو تدلوا بالعضی والحبال لتسبروا أغوار معرفتکم (عکاشه، ۲۰۰۰: ۵۹).  
ترجمه فارسی: و آن عمق به مقیاس هیچ ژرفاسنجی اندازه نگیرید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۸۰).

در این نمونه، ترجمه عربی به نوعی تحت‌اللفظی به شمار می‌آید که سعی شده ساختارها و معادل کلمات حفظ شود و در عین حال مترجم فارسی یک واژه را معادل چند واژه قرار داده است و با کمک جستن از روش قبض نحوی به فرآیند ترجمه اهتمام ورزیده است.

## ۲-۱-۶. خاص در برابر عام

روش «خاص در برابر عام» ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا برعکس. این شیوه معمولاً در برابر اقلام بزرگ‌تر از واژه به کار می‌رود، اما در مورد واژه هم مصداق دارد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۹). برای مثال، واژه «گرسنگی» در متن انگلیسی و در ترجمه عربی به شکل عام به کار رفته است، حال آنکه مترجم فارسی آن واژه را با شکل خاص ترجمه کرده است:

متن اصلی:

For you come to him with your hunger, and you seek him for pease (Gibran, no date: 36).

ترجمه عربی - لَأَنَّک تسعی إلیه بجوعک، وتتشده عنده الطمأنینة (عکاشه، ۲۰۰۰: ۶۲).

ترجمه فارسی: که گرسنگی روح بر او آورید، و آرام جان در او جوید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۸۶).

با توجه به مقارنه ترجمه‌های بالا، مترجم فارسی به نوعی از تعادل مطلق و کلی واژه «گرسنگی» دوری گزیده، نوعی سایه جزئی به آن افکنده است به این معنی که شاید خود مترجم فارسی به نوعی از گرسنگی روحی رنج برده و به این دلیل گرسنگی را در گرسنگی روحی خلاصه کرده است، از این رو، همین کارکرد امکان دستیابی به عقده سرکوب شده مترجم را برای خواننده فراهم می‌کند.

واژه «پرنده» در مقطع انگلیسی زیر عام و ترجمه عربی آن هم به شکل عام به کار رفته در حالی که مترجم فارسی آن را «شاهین» ترجمه کرده است:

متن اصلی:

for thought is a bird of space that in cage of words may indeed unfold its wings but cannot fly (Gibran, no date: 38)

ترجمه عربی: لأنَّ الفکرَ من طیر الفضاء، قد یستطیع أن ینشر جناحیه فی قفس الالفاظ لکنّه یعجز عن أن یطیر (عکاشه، ۲۰۰۰: ۶۵).

ترجمه فارسی: که تفکر شاهین ملکوت است، و در قفس کلام، بال‌های خود را شاید بگشاید اما پرواز نتواند (مقصودی، ۱۳۷۶: ۹۰).

مترجم فارسی با کاربست واژه «شاهین» به نوعی به سمت زیبایی تعبیری گرایش پیدا کرده، چرا که این واژه خاص است و به پرنده خاصی اطلاق می‌شود در حالی که در متن اصلی و ترجمه عربی مطلق پرنده را به کار گرفته است.

واژه «people» عام است در ترجمه فارسی هم به صورت عام «مردم» ترجمه شده است؛ در حالی که مترجم عربی آن را به صورت خاص «أبناء»<sup>۱</sup> ترجمه کرده است:

متن اصلی:

People of orphalese, you can muffle the drum, and you can loosen the strings of the lyre, but who shall command the skylark not to sing? (Gibran, no date: 28)

ترجمه عربی: یا ابناء أورفالیس ، إنکم لتستطیعون أن تکتنموا صوت الطبول وترخوا أوتار القیثار، ولكن من منکم له أن یأمر البلبل أن یکفّ عن التّغرید (عکاشه، ۲۰۰۰: ۴۸).  
ترجمه فارسی: مردم اورفالیزا آوای بلند کوس را شاید که خاموش کنید، تارهای نازک چنگ را سست توانید کرد، اما چکاوک را چه کسی فرمان دهد که نغمه ساز نکند (مقصودی، ۱۳۷۶: ۶۸).

## ۲-۱-۷. ابهام

گاهی در ترجمه، «ابهام» پیش می‌آید؛ به ویژه در زبان‌های مقصدی که فاقد ضمائر سوم شخص مونث و مذکر (his/ her/ he/ she) هستند و در این صورت، مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۰). برای نمونه در ترجمه عربی مقطع زیر نوعی ابهام وجود دارد در حالی که در ترجمه فارسی مترجم این ابهام را برطرف کرده است:

متن اصلی:

...beauty is life when life unveils her holy face./but you are life and you are the veil./beauty is eternity gazing at itself in a mirror (Gibran, no date: 48)

ترجمه عربی: إن الجمال هو الحیاة ساعة تکشف عن وجهها القدسی /ولأنتم الحیاة ولأنتم الحجاب /وهو الخلود یستجلی وجهه فی مرأة (عکاشه، ۲۰۰۰: ۸۴).  
ترجمه فارسی: ...زیبایی زندگانیست آن زمان که پرده بازگشاید وچهره برنماید / لکن زندگی شماست و حجاب خود شماست. / زیبایی قامت بلند ابدیت است ... (مقصودی، ۱۳۷۶: ۶۸).

همانطور که ملاحظه می‌شود، ترجمه عربی با نوعی ابهام همراه است چون بین مرجع و ضمیر، یک ضمیر متفاوت فاصله انداخته است باید واژه «الجمال» در ترجمه عربی دوباره تکرار شود در حالی که در ترجمه فارسی خود مرجع تکرار شده است؛ به طوری که متن را از ابهام خارج کرده است.

## ۲-۲. سطح دوم الگوی گارسس: نحوی- واژه‌ساختی

### ۲-۲-۱. ترجمه یک به یک

«ترجمه یک به یک» عبارت است از ترجمه واژه به واژه، عبارت به عبارت، همانند به همانند، شبه‌جمله به شبه‌جمله، حتی استعاره و ضرب‌المثل به استعاره و ضرب‌المثل. گارسس معتقد است که وقتی این شیوه از حد واژه فراتر رود، رفته رفته کار ترجمه با دشواری مواجه می‌شود (نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۱). برای مثال، در ترجمه عربی و فارسی مقطع انگلیسی زیر تک تک واژه همسان و همانند هم آمده‌اند:

متن اصلی:

For life and death are one, even as the river and the sea are one (Gibran, no date: 51).

ترجمه عربی: لأنّ الحیاة والموت واحد، كما أنّ النهر والبحر واحد (عکاشه، ۲۰۰۰: ۸۸).  
ترجمه فارسی: که زندگانی و مرگ یگانه‌اند، همچنانکه رودخانه و دریا (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۲۰).

با توجه به مقارنه دو ترجمه بالا، هدفمندی و پیوستگی ساختارهای هر سه زبان کاملاً شبیه هم هستند و همه عناصر زبان مبدأ به شکل همسانی، واژه به واژه در زبان مقصد ترجمه شده است؛ بنابراین، تعادل نقشی واژگان به کمک فرهنگ لغت بدون کاربرد صافی فرهنگی خاصی محقق شده است.

### ۲-۲-۲. تغییر نحو

گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد. اصولاً وقتی ترجمه از طریق تغییر نحو یا «دستورگردانی» انجام می‌گیرد که:

- ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.
  - ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.
  - خلأ واژگانی موجود با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد.
- برای مثال ساختار و جایگاه فعل در ترجمه فارسی و عربی فعل «پراکندن» در مقطع زیر به این شکل تغییر می‌کند:

متن اصلی:

Too many fragments of the spirit have I scattered in these streets.(Gibran, no date: 2).

معادل عربی: کم من حَبَّات للروح نثرت فی هذه الطرقات (عکاشه، ۲۰۰۰: ۲).

معادل فارسی: چه فراوان اجزای روح خویش در این معبرها پراکندم (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۲).

با توجه به مثال‌های بالا می‌توان به این نتیجه رسید که جایگاه فعل در زبان انگلیسی و عربی و فارسی فرق دارد؛ فعل در زبان انگلیسی بعد از فاعل آمده و در زبان عربی در ابتدای جمله قبل از فاعل آمده، اما در زبان فارسی ترجمه فعل به پایان جمله منتقل می‌شود، از این رو، تفاوت ساختارها و تغییرات نحوی در ترجمه بسیار حائز اهمیت است، چراکه توجه به این حالت باعث می‌شود که متن رنگ و بوی ترجمه را از دست بدهد و به یک متن بازتولید تبدیل شود.

## ۲-۲-۳. تغییر دیدگاه

کاربرد «تغییر دیدگاه» در مواردی است که زبان مقصد ترجمه تحت‌اللفظی را بر نمی‌تابد، موارد جا افتاده و معیار دگربینی را می‌توان در فرهنگ‌های دو زبانه یافت (همان: ۱۳۲). برای مثال، مترجم فارسی در ترجمه مقطع انگلیسی زیر سعی کرده ذات یا شخص را از دل ترجمه بزدايد و به صورت اسم معنی، مفهوم را ترجمه کرده است، حال آنکه در ترجمه عربی کارکرد اسم ذات به وضوح مشاهده می‌شود:



متن اصلی:

It is a blossoming of your desire, but it is not their fruit (Gibran, no date: 44).

ترجمه عربی: إنها رغباتكم تتفتح أكمامها، لكنّها ليست ثمارها (عکاشه، ۲۰۰۰: ۷۶).  
ترجمه فارسی: شکوه شکوفه آرزوست، لکن قوام میوه آن نیست (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۰۶).

با توجه با اینکه ترجمه فارسی مقطع، چنین اسلوبی را برمی تابد، اگر به این شکل ترجمه نمی شد، ترجمه غیرطبیعی جلوه می یافت و در نتیجه با نوعی تکلف در برداشت ترجمه مواجه می شدیم.

#### ۲-۲-۴. توضیح و بسط معنی

قسمتی از متن که باید در متن مقصد تصریح شود، «توضیح و بسط معنی» است. این بسط معنوی، مثل بسط و قبض نحوی گاهی به صورت شمی و حسی انجام می گیرد و گاهی به صورت موردی، بسط و قبض، خاص همه زبانهاست به ویژه در حیطه لغات «و فور فرهنگی». برای مثال، می توان در ترجمه فارسی مقطع انگلیسی و عربی زیر این مورد را نمایش داد:

متن اصلی:

When you work you are a flute through whose heart the whispering of the hours turns to music (Gibran, no date: 15).

ترجمه عربی: أنت -حین تعمل- مزمار، تتحول همسات الدهر فی جوفه إلى أنغام (عکاشه، ۲۰۰۰: ۲۵).

ترجمه فارسی: بدان هنگام که کار کنید، طبیعت شگفت نی لبکی را مانید که زمزمه ساعتها و لحظات را از درون قلب خویش گذر دهد و به آوای دل انگیز موسیقی بدل کند (مقصودی، ۱۳۷۶: ۴۰).

با توجه به مثالهای بالا، می توان به این نتیجه رسید که ترجمه فارسی نمایانگر نوعی توضیح و بسط معنی است. همانطور که پیداست مترجم فارسی از مایه زبان فارسی تغذیه

می‌کند؛ برای مثال، به همراه کلمه «موسیقی» ترکیب «آوای دل‌انگیز» را آورده است؛ به طوری که خاموشی‌های نهفته در زبان فارسی را روشن و واضح می‌کند. مترجم با این حالت از بیان به نوعی مخاطب فارسی را از سردرگمی و گنگی زبانی می‌رهاند و به نوعی به سمت ترجمه نویسنده محور گرایش پیدا کرده است.

همچنین در زبان فارسی و انگلیسی متن، معادل کلمه «است» و «are» را مشاهده می‌کنیم در حالی که در زبان عربی این نوع معادل در ترجمه مبتدا و خبر خوابیده است.

## ۲-۲-۵. تلویح، تقلیل و حذف

عکس «توضیح و بسط معنی»، «تلویح، تقلیل و حذف» است؛ یعنی عناصری که در متن اصلی تصریح شده، می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد و یا به طور کلی حذف کرد (نیازی، قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۴). از جمله مورد حذف می‌توان در ترجمه فارسی جمله زیر به آن اشاره کنیم:

متن اصلی:

love one another, but make not abound of love (Gibran, no date: 9)

ترجمه عربی: لیحبّ أحدکما الآخر، ولكن لاتجعلنا من الحب قیدا (عکاشه، ۲۰۰۰: ۱۴).  
ترجمه فارسی: و دوست بدارید ولكن عشق را به زنجیر بدل نکنید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۲۴).

مترجم فارسی در ترجمه فارسی با حذف کردن واژه «همدیگر» نوعی نوسان ظهور و خفاء را در ترجمه ایجاد کرده است که خود یک نوع خلاقیت هنری و بیانی است و متضمن نوعی عطش است که مخاطب را وامی‌دارد جمله را در نهایت ایجاز و بلاغت ببیند تا خودش در مورد واژه حذف شده تصمیم‌گیری کند. همچنین این نوع از حذف متضمن یک نوع کلیت است که شمولیت «عشق» و «حب» را می‌رساند؛ به این معنی که همه چیز را دوست داشته باشید در حالی که ترجمه عربی بسان متن انگلیسی واژه «همدیگر» را ترجمه کرده است.

## ۲-۲-۶. تغییر در نوع جمله

گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله حذف می‌شود. مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا برعکس ترجمه می‌شود یا گاهی «وجه» جمله عوض می‌شود (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۴). برای مثال، می‌توان به ترجمه مقطع انگلیسی زیر اشاره کنیم که ترجمه عربی آن تقریباً به ساختار زبان مبدأ نزدیک است، اما در ترجمه فارسی وجه جمله عوض شده مثلاً جمله ساده با استفاده از جمله‌های معطوف به هم، نوعی پیچیدگی ساختاری در ترجمه ایجاد کرده است:

متن اصلی:

but rather when these things girdle your life and yet you rise above them naked and unbound (Gibran, no date: 29)

ترجمه عربی: وَإِنَّكُمْ لِبَالِغُوهَا حَقًّا إِذَا مَا أَحْدَقْتُمْ بِكُمْ النِّوَازِلَ وَالْهَمُومَ فَمَسُوتُمْ عَلَيْهَا، نَافِضِينَ لَهَا، مُنْطَلِقِينَ مِنْ قِيُودِهَا (عکاشه، ۲۰۰۰: ۵۰).

ترجمه فارسی: و باز آزاده‌تر آن روز که این همه، زندگی را از هر سو در بند گرفته باشند، و احاطه کرده باشند، لیکن شما برهنه و بی لجام، پا فرا کشید و فراز شوید، و برآید (مقصودی، ۱۳۷۶: ۷۰).

همه این مؤلفه‌ها در ترجمه فارسی فعل «unbound» همبسته و مکمل و سازگار با یگدیگرند در نتیجه، راهبرد زنجیره کلامی معطوف به هم مبتنی بر پیچیدگی و ترکیب در ساختار فعلی ساده می‌شود، حتی افزودن عبارت «و باز آزاده‌تر آن روز...» در ترجمه فارسی به نوعی باعث تغییر و دگرگونی وجه جمله شده و همین حالت است که لحن جمله ترجمه شده را تغییر داده است؛ از این رو، مترجم فارسی با این زنجیره عطفی شاید خواسته تأثیر کلامش بر مخاطب بالاتر برود.

## ۲-۳. سطح سوم گارسس: گفتمانی - کارکردی

### ۲-۳-۱. تعدیل محاوره‌ای

«تعدیل محاوره‌ای» یعنی کاستن از اصطلاحات محاوره‌ای و نادیده انگاشتن چندزبانه بودن متن اصلی. این مقوله در مواردی به کار می‌رود که متن مبدأ علاوه بر زبان اصلی، لهجه‌ها و گویش‌های دیگری را هم شامل می‌شود.

### ۲-۳-۲. تغییر ساختار درونی متن مبدأ

تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تأکیدها و تغییر علائم متن به صورتی که در معنا تأثیرگذار باشد، ممکن است ساختار درونی متن اصلی را تغییر دهند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۶). برای مثال، در ترجمه فارسی مقطع انگلیسی زیر شاهد افزایش کلماتی توسط مترجم هستیم؛ در حالی که در ترجمه عربی آن با عنصر کاهش مواجه می‌شویم:

متن اصلی:

and the passionate say, nay, beauty is a thing of might and dread  
(Gibran, no date: 47).

ترجمه عربی: ویقول مشیوب العاطفة: لا، بل الجمال قویٌّ مرهوبٌ... (عکاشه، ۲۰۰۰: ۸۱)  
ترجمه فارسی: و آتش خویان را باور این است که: زیبایی از تبار قدرت است و از قبیله وحشت... (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

همانطور که ملاحظه می‌شود، ترجمه فارسی جمله برای افزایش نوسانات تأثیر، فرآیند ساختار جمله را کاملاً از نو از کانال تشخیص و استعاره مکنیه، طراحی می‌کند و دو کلمه «تبار - قبیله» را برای کلمات «قدرت - وحشت» در نظر می‌گیرد تا از این طریق از در دگردیسی ساختاری وارد شود، اما ترجمه عربی جمله با حالتی مختصر و موجز صحنه‌نمایی می‌کند. مثلاً برای کلمه «thing» انگلیسی در ترجمه عربی معادلی در نظر گرفته نشده است و براساس همین منوال و حالت‌ها است که ساختارهای درونی متن مبدأ در فرآیند ترجمه تغییر کرده است.

گاهی ممکن است در ترجمه چنان تغییری حاصل شود که مقصود متن اصلی تغییر کند؛ مثلاً یک متن طنزآمیز تبدیل به متنی سرگرم کننده شود.

### ۲-۳-۳. تغییر لحن متن

حفظ لحن یکی از ارکان تأثیر ارتباطی است و باید از طریق زمان، وجه، بنا، واژگان و نحو آن را حفظ کرد. برای مثال، ترجمه فارسی جمله زیر شدت بیشتری در بیان معنی و مقصود به نسبت ترجمه عربی به ارمغان می آورد؛ حتی ترجمه عربی جمله از شدت بیشتری در گزارش معنی به نسبت جمله اصلی انگلیسی برخوردار است:

متن اصلی:

your clothes conceal much of your beauty, yet they hide not the unbeautiful (Gibran, no date: 21)

ترجمه عربی: إِنَّ ثيابكم تجب من جمالكم الكثير، لكنها لا تخفي ما قبح فيكم (عکاشه، ۲۰۰۰: ۳۶).

ترجمه فارسی: جامه های شما زیبایی تان نهان تواند کرد، اما زشتی تان هرگز (مقصودی، ۱۳۷۶: ۵۴).

واژه «yet» از آن شدت بیانی که واژه «but» دارا است، برخوردار نیست؛ از این رو، دارای خصیصه بیانی ضعیفی است در حالی که ترجمه عربی بیشتر به سمت شدت و قدرت بیانی مقصود در حرکت است. همچنین ترجمه فارسی با کاربرد کلمه «هرگز» و حذف بعضی از عناصر جمله به شدت و تصدیق نوسانات عاطفی مترجم کمک شایانی کرده است.

### ۲-۳-۴. حذف حواشی

«حذف حواشی» عبارت است از حذف پانوشتها، پیشگفتارها، ضمیمه ها، مقدمات، مؤخرات، توضیحات، کتاب شناسی، فهرست، اعلام و... که در ترجمه از زبان های دیگر به فارسی بسیار رایج است (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۷) در ترجمه عربی رمان، گاهی مترجم حواشی را به متن ترجمه اضافه کرده و در اکثر مواضعی که معنای واژه های ترجمه نامفهوم باشد در حواشی به شرح آن پرداخته است.

## ۲-۳-۵. تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی

برای نمونه، واژه «skylark» در زبان عربی «بلبل» ترجمه شده، حال آنکه مترجم فارسی آن را «چکاوک» ترجمه کرده است:

متن اصلی:

people of Orphalese, you can muffle the drum, and you can loosen the strings of the lyre, But, who shall command the skylark not to sing? Gibran, no date: 28)

ترجمه عربی: یا أبناء أوفاليس، إنکم لتستطيعون أن تكتنموا صوت الطبول ولكن من منکم له أن يأمر البلبل أن یکف عن التغريد؟ (عکاشه، ۲۰۰۰: ۴۸)

ترجمه فارسی: مردم اورفالیزا آوای بلند کوس را شاید که خاموش کنید، تارهای نازک چنگ را سست توانید کرد، اما چکاوک را چه کسی فرمان دهد که نغمه ساز نکند؟ (مقصودی، ۱۳۷۶: ۶۸)

با توجه به ترجمه‌های بالا در فرهنگ عربی واژه «skylark»، «بلبل» ترجمه می‌شود، اما در ترجمه فارسی، شاید مترجم به نوعی از فرهنگ زبان مبدأ تقلید کرده است.

## ۲-۴. سطح چهارم الگوی گارسس: سبکی - عملی

### ۲-۴-۱. بسط خلاقه

عبارت است از تغییراتی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که «برای او طبیعی‌تر است یا میل او را اقناع می‌کند». گارسس این شیوه را منفی تلقی می‌کند. برای مثال، می‌توان به ترجمه عربی جمله زیر اشاره کرد:

متن اصلی:

And as he walked he saw from afar men and women leavings their fields and their vineyards and hastening towards the city gates (Gibran, no date: 3).

ترجمه عربی: و بینما هو ماض فی طریقہ، إذ آنس علی البعد رجالا و نساء وقد ترکوا، إذ آنس علی البعد رجالا و نساء قد ترکوا حقولهم وکرومهم مسرعین نحو أبواب المدینة (عکاشه، ۲۰۰۰: ۴).

ترجمه فارسی: و همچنانکه می‌رفت مردان و زنانی را دید که مزارع و تاکستان‌ها خود را رها کرده‌اند و شتابان به سوی دروازه‌های شهر هجوم می‌آورند (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۴).

در ترجمه عربی مترجم به جای کلمه «رأی» واژه «آنس» را به کار برده است که این حالت ترجمه یک بسط خلاقه محسوب می‌شود، چراکه اسلوب متن، ادبی است و باید در ترجمه به بار عاطفی واژگان توجه کرد. در حقیقت مترجم سعی کرده با این اسلوب ترجمه، روح همدلی و محبت را در لابه‌لای متن تقویت کند؛ چیزی که مترجم فارسی به راحتی از آن گذر کرده و از ترجمه این کلمه با چنین بار عاطفی‌ای چشم‌پوشی کرده است.

## ۲-۴-۲. اشتباه مترجم

این مؤلفه غالباً ناشی از بدفهمی یا کم دانی مترجم درباره زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است. برای مثال، مقطع انگلیسی زیر در ترجمه عربی و در ترجمه فارسی خالی از اشکال نیست:

متن اصلی:

forget not that modesty is for a shield against the eye of the unclean  
And when the unclean shall be no more what were modesty but a  
fetter and a fouling of the mind? (Gibran, no date: 21)

ترجمه عربی: فلا تتسوا أن الاحتشام درع یقیکم من نظرات أهل الدنس، فإذا زال الدنس فأی شیء یبقی من الاحتشام، سوی أنه کان قیدا ومفسدة للعقل (عکاشه، ۲۰۰۰: ۳۷).  
ترجمه فارسی: هشدار «حریم حجاب شما در هجوم نگاهی ناپاک، تنها فروتنی باشد و چون آلوده‌ای در میانه نبینید، تواضع زنجیری است به پای ذهن و دردی است در شراب جان (مقصودی، ۱۳۷۶: ۵۴).

با توجه به مقطع بالا، مترجمین فارسی و عربی هر کدام مرتکب اشتباهاتی در ترجمه شده‌اند؛ برای مثال، مترجم عربی به جای واژه «ذهن»، واژه «عقل» را به کار برده است؛ این در حالی است در حالی که از لحاظ علم فلسفه، واژه‌های «عقل، ذهن و روح» همگی با هم تفاوت دارد و مترجمین همه این واژه‌ها را در ترجمه به جای هم به کار برده‌اند. برای مثال، واژه لاتین «shield» بهتر بود «سپر یا دژ» ترجمه شود؛ همانطور که در ترجمه عربی واژه «درع» آمده است. همچنین مترجم فارسی رعایت یکدستی در ترجمه واژه‌ها را رعایت نکرده است. برای مثال، واژه لاتین «modesty» یک بار به معنای «حجاب» و یک بار به معنی «تواضع» معادل‌یابی شده است. این در حالی است که مترجم عربی این واژه را «الاحتشام» ترجمه کرده که در زبان فارسی به معنای «حجب و حیا» است.

### ۲-۴-۳. حفظ اعلام یا اسامی خاص

گاهی باید اسم خاص را ترجمه کرد، گاهی باید مستقیماً انتقال داد و در مواردی باید به همراه معنی یا توضیح آورد. اسم خاص ادبی که بیشتر مورد نظر ماست، اغلب دارای معانی ضمنی لفظی و معنوی است. به عقیده گارسس، در صورتی که انتقال پیام و محیط یک اثر ادبی بر القای ملیت و فرهنگ آن ارجحیت داشته باشد، اسم خاص را باید ترجمه کرد. اگر انتقال ملیت و فرهنگ به همان اندازه انتقال معانی ضمنی حائز اهمیت باشد یا بر آن رجحان داشته باشد باید اسم خاص را بدون ترجمه رها کرد و در مقدمه مترجم یا نام نامه یا پرنانتز یا پاورقی معانی ضمنی لفظی و معنوی آن را باز کرد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۴۱). برای مثال، واژه «orphalese» در زبان عربی به همان شکل گرتته برداری شده «أورفالیس» در حالی که در زبان فارسی با تغییر اندکی معادل‌یابی شده به صورت «اورفالیزا» است:

متن اصلی:

people of Orphalese, you can muffle the drum, and you can loosen the strings of the lyre, But, who shall command the skylark not to sing? (Gibran, no date: 28)



ترجمه عربی: یا أبناء أوفاليس، إنکم لتستطيعون أن تکتُموا صوت الطبول ولكن من منکم له أن یأمر البلبل أن یکف عن التغريد؟ (عکاشه، ۲۰۰۰: ۴۸)

ترجمه فارسی: مردم اورفالیزا آوای بلند کوس را شاید که خاموش کنید، تارهای نازک چنگ را سست اما چکاوک را چه کسی فرمان دهد که نغمه ساز نکند؟ (مقصودی، ۱۳۷۶: ۶۸).

گاهی در ترجمه اسامی خاص، تغییر و تحولاتی صورت می‌گیرد، گاهی ممکن است به همان شکل گرده برداری شود و گاهی هم کاملاً در ترجمه شکل اسم عوض می‌شود. برای نمونه، واژه «یونان» در زبان عربی «اغریق» معادل یابی می‌شود.

## ۲-۴-۴. حفظ ساختارهای زبان مبدأ

حالت «حفظ ساختارهای زبان مبدأ» را می‌توان با تمایز ترجمه‌ها در جمله زیر بیان کرد:

متن اصلی:

It is not a garment I cast off this day, but a skin that I tear with my own hands (Gibran, no date: 2).

ترجمه عربی: لیس ما أنزعه الیوم ثوبا، بل جلدی أمزقه بیدیّ هاتین (عکاشه، ۲۰۰۰: ۲).

ترجمه فارسی: این نه جامه ای است که اینک از تن بدر کنم، این پوست است که با دست‌های خویش می‌درم (مقصودی، ۱۳۷۶: ۱۲).

هرچند در ترجمه عربی و فارسی تغییراتی کمی صورت گرفته، اما مترجمین سعی کرده‌اند ساختارهای زبان مبدأ را حداقل امکان حفظ کنند؛ برای مثال، مترجم عربی واژه «دست» که در متن انگلیسی به صورت جمع آمده چون در زبان انگلیسی مثنی نداریم در ترجمه عربی به صورت مثنی ترجمه کرده است. همچنین معادل «but» در زبان عربی «بل» است که مترجم عربی سعی کرده ساختار را حفظ کند، اما مترجم فارسی با حالتی تقلیل و حذف کلمه «اما» را ترجمه نکرده است که این حالت از ترجمه به زبان مقصد؛ یعنی زبان فارسی نزدیک است.

هچنین در مثال زیر مترجم با یک نوع گرت‌برداری سعی کرده ساختار زبان مبدأ را چه در ترجمه فارسی و چه در ترجمه عربی حفظ کند:

متن اصلی:

for their souls dwell in the house of tomorrow, which you cannot visit, not even in your dreams (Gibran, no date: 10).

ترجمه عربی: فأرواحهم تسكن في دار الغد، وهيهات أن تلمّوا به، ولو في خترات احلامكم (عكاشه، ۲۰۰۰: ۱۶-۱۷).

ترجمه فارسی: که روح آن‌ها ساکن خانه‌های فرداست و دیدار فردا بر شما میسر نگردد، حتی به رویاهاتان (مقصودی، ۱۳۷۶: ۲۸).

در حقیقت در این ترجمه‌ها، برون‌رفتی از ساختار زبان مبدأ نمی‌بینیم؛ «خانه‌های فردا» در ترجمه فارسی و «دار الغد» در ترجمه عربی همان صنعت ادبی زبان مبدأ است که با نوعی وام‌گیری سعی شده، ترجمه شود.

## ۲-۴-۵. بیان نامناسب اصطلاحات

مثال «بیان نامناسب اصطلاحات» در نمونه زیر عیان است. مترجم فارسی در ترجمه مقطع زیر یک اصطلاح طولانی را به کار برده، حال آنکه معادل عربی اصطلاح بسیار مناسب است:

متن اصلی:

no man can reveal to you aught but that which already lies half asleep in the dawning of your knowledge (Gibran, no date: 35).

ترجمه عربی: لا یستطیع انسان أن یکشف لک عن شیء إلا إذا کان غافیا فی فجر معرفتک (عکاشه، ۲۰۰۰: ۶۰).

ترجمه فارسی: هیچ انسانی بر شما فاش نکند مگر آن راز که در پگاه اندیشه‌تان، نیمه خواب است و نیمه بیدار (مقصودی، ۱۳۷۶: ۸۴).

با توجه به اینکه ترجمه فارسی مقطع در ژرفای زبان ادبی غرق شده است، اما معادل طولانی برای اصطلاح «lise half asleep» به کار برده است؛ در حالی که معادل عربی اصطلاح بسیار مناسب و مختصر است (غافیا). مترجم فارسی می‌توانست به جای اصطلاح «نیمه خواب و نیمه بیدار» اصطلاح مختصرتر «خواب سبک و چرت» را اختیار کند؛ هرچند ممکن است از لحاظ ادبی کاربرد چنین اصطلاحات طولانی با هیجان‌ات تعبیری مؤثرتری همراه باشد.

## ۲-۴-۶. پرگویی در برابر ساده‌گویی

از جمله شاهد مثال «پرگویی در برابر ساده‌گویی» می‌توان به ترجمه فارسی مقطع انگلیسی جمله زیر اشاره کرد:

متن اصلی:

And if it is a care you would cast off, that care has been chosen by you rather than imposed upon you (Gibran, no date: 30)

ترجمه عربی: و إذا كان همًّا توَدُّ أن تخلصَ منه، فإنَّك أنت الذي اخترته لنفسك، ولم يفرضه عليك أحد (عكاشه، ۲۰۰۰: ۵۱).

ترجمه فارسی: در سینه اگر سوز غمی، در ذهن اگر وسواس اندیشه‌ای که فروبایدش فکند، همه اندوه و گمان، سودایی است که خود برگزیده‌اید، نه تحمیل تقدیر (مقصودی، ۱۳۷۶: ۷۱).

واژه «care» در زبان انگلیسی به معنای «اهمیت دادن، ناراحت شدن و نگران بودن» است. معادل عربی آن «الهم» ترجمه شده که تقریباً معادل مناسبی است، چرا که همه لایه‌ها و جوانب معنوی معادل انگلیسی را شامل می‌شود. این در حالی است که مترجم فارسی با یک حالت پرگویی از کاربرد کلمه «غم» ممانعت کرده است. البته این پرگویی به نوعی بار عاطفی و تأثیر کلام را بالاتر برده و ترجمه را با نوعی هیجان تعبیری همراه کرده است.

## ۲-۴-۷. تغییر در کاربرد صنایع بدیعی

در متون ادبی، آرایه‌هایی به چشم می‌خورد که از مختصات بارز این نوع متون هستند. وظیفه مترجم در رویارویی با این آرایه‌ها، درک و انتقال حداکثری آن‌ها به متن مقصد است (گرگی و رستم پورملکی، ۱۴۰۰: ۱۷۶). برای مثال، مقطع زیر از متن مبدأ نوعی استعاره مکنیه را نمود می‌دهد و در عین حال همین نوع صنعت بدیعی در ساختارهای ترجمه عربی و فارسی با هم تلاقی می‌کنند:

متن اصلی:

but I say to you that when you work you fulfil a part of earth's furthest dream (Gibran, no date: 15).

ترجمه عربی: وعندی أنکم حین تعملون، تحققون للأرض بعض حلمها المترامی ... (عکاشه، ۲۰۰۰: ۲۵)

ترجمه فارسی: من اما برانم که تکاپوی شما تحقق دورترین رؤیای خاک است که بر دوستان نهاده‌اند (مقصودی، ۱۳۷۶: ۴۰).

با توجه به مقطع بالا و ترجمه‌های آن، روح استعاره مکنیه در ساختار هر سه زبان متجلی شده است؛ نویسنده «خاک» را به انسانی تشبیه کرده که رویاپردازی و خیال‌پردازی پیشه کرده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در ترجمه زبان عربی یا هر زبان دیگر حائز اهمیت است، توجه و عنایت به صافی‌های فرهنگی و کارکردی است، چراکه هر زبانی با توجه به ماهیت ایدئولوژی و بافت فرهنگی و ساختاری حاکم بر آن، شکل خاصی از ساختار زبانی را برمی‌تابد.

زبان عربی هرچند از لحاظ ساختاری به زبان فارسی بسیار نزدیک است با این حال تفاوت و تمایز ساختاری میان آن دو زبان کاملاً مشهود است و همه این تفاوت‌ها به عوامل فرهنگی و زیست محیطی خاص برمی‌گردد.

مترجمین فارسی و عربی با توجه به متن اصلی انگلیسی گاهی جملات بلند را تقطیع و گاهی براساس نیاز، جملات کوتاه را به جملات بلند تبدیل کرده‌اند یا حتی گاهی مترجم فارسی با تغییر لحن کلام به شدت و قدرت تاثیر کلام افزوده است.

با توجه به ترجمه فارسی رمان، مترجم فارسی در بیشتر اوقات به ترجمه معنای مفهومی واژه‌ها و قاموسی آن پرداخته، بلکه همواره سعی کرده است واژه‌ها را با مفاهیم ذهنی دیگر در ترجمه تداعی کند به نوعی که احساسات و عواطف را در ترجمه فارسی واژگان دخالت و احساس خاصی را نسبت به ترجمه واژگان از خود نشان داده است که غیر از معنای لغوی و قاموسی واژه است.

در ترجمه فارسی رمان، محتوای معنایی و کارکرد کنش‌های کلامی و منظورشناختی متن عموماً انتقال یافته و گاهی مترجم با دخالت عوامل عاطفی و احساسی، قدری از ساختارهای نحوی و واژگانی متن مبدأ دور شده است.

در بیشتر مواضع، مترجم فارسی سعی کرده از متن مبدأ جدا شود؛ به طوری که از ساختارهای زبانی آن فاصله گرفته است. از این رو، مترجم بیشتر بر استخراج مفهوم متن اصلی تأکید دارد تا به تقلید محض از ساختارها، اما مترجم عربی رمان در بیشتر مواضع سعی کرده ساختارهای زبان مبدأ را حفظ کند.

تعدیل محاوره‌ای به عنوان یکی از موارد ارزیابی ترجمه سطح سوم گارسس در ارزیابی ترجمه رمان «پیامبر» به چشم نمی‌خورد، چراکه زبان متن اصلی از لهجه‌ها و گویش‌ها تهی است.

در اکثر مواضع، مترجمین توانسته‌اند، نوعی پیوند بین ترجمه پنهان و نقش کارکردی آن برقرار کنند؛ به طوری که با یک نوع صافی فرهنگی از اصطلاحات و ساختارهای زبان مبدأ فاصله گرفته‌اند و گاهی هم با غفلت از ضرورت تجویز فرهنگی مستقیماً به تقلید از ساختارها و مبانی فرهنگی زبان مبدأ پرداخته‌اند.

## تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## ORCID

Mohammad Kabiri



<http://orcid.org/0000-0003-3745-4885>

Behzad Heshmati



<http://orcid.org/0000-0001-8864-6989>

Bayazid Tand



<http://orcid.org/0000-0002-8540-3030>

## منابع

- حقانی، نادر. (۱۳۹۹). *نظرها و نظریه‌های ترجمه*. چاپ سوم. تهران: انتشارات آذین.
- خان‌جان، علیرضا. (۱۴۰۰). *تحلیل انتقادی ترجمه*. چاپ اول. تهران: انتشارات آگه.
- زرکوب، منصوره. (۱۳۸۸). *روش نوین فن ترجمه (عربی-فارسی-فارسی عربی)*. اصفهان: انتشارات مانی.
- صنعتی‌فر، نی‌نوا. (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر مبانی نظری ترجمه*. چاپ اول. تهران: نشر علمی.
- فاضل سعدی، احمد ترجمه سهام مخلص. (۱۳۸۸). *فن ترجمه*. چاپ اول، قم: موسسه بوستان کتاب.
- فاست، پیتر ترجمه راحله گندمکار. (۱۳۹۷). *ترجمه و زبان*. چاپ اول. تهران: نشر علمی.
- گرچی، زهره و رستم پورملکی، رقیه. (۱۴۰۰). *نقد ترجمه فارسی منتخب آثار جبران در کتاب (حمام روح) بر پایه مدل نظری گارسس*. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱(۲۴)، ۱۴۶-۱۸۲.
- میرزا سوزنی: مد. (۱۴۰۰). *ترجمه متون ساده*. چاپ دوازدهم. تهران: سمت.
- مقصودی، مهدی. (۱۳۷۶). *پیامبر*. چاپ پنجم. نشر نو: تهران.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۸۹). *روشهایی در ترجمه از عربی به فارسی*. چاپ پنجم. تهران: سمت.
- نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۷). *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاووس، جولین. (۱۳۹۹). *ترجمه*. ترجمه منوچهر توانگر. چاپ اول. تهران: نشر علمی.

## References

- Akashé, T. (2000). *Al-Nabi Gibran Khalil Gibran parallel translation of the English and Arabic text*. Ninth Edition. Cairo: Dar al-Shoroq. [In Persian]
- Faust, P. (2017). *Translation and Language*. Translation of Rahela Gandamkar First Edition. Tehran: Neshar Elami. [In Persian]
- Fazel Saadi, A. (2009). *Translation Fan*. Translation of Saham Mkhles. First Edition. Qom: Bostan Kitab Institute. [In Persian]
- Gibran, Kh. (not date). *The Prophet*.
- Gorjy, Z., & Rostampourmalki, R. (2021). Criticism of Selected Persian Translation of Gibran's work in the book "Hamam -eRoohe" based on Garces Theoretical Models. *Translation Researches in Arabic Language and Literature*, 11(24), 146-182. [In Persian]

- Havos, J. (2020). *Translation*. First Edition. Translated by Manouchehr Tawanger. Tehran: Scientific Publishing House. [In Persian]
- Haqqani, N, (2019). *Opinions and Theories of Translation*. Third Edition, Tehran: Azin. [In Persian]
- Khan Jan, A. (2021). *Critical Analysis of Translation*. First Edition. Tehran: Agh. [In Persian]
- Mirza Sozani, S. (2021). *Translation of Simple Texts*. Twelfth Edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Maqsoodi, M.. (1997). *Prophet*. Fifth Edition, Nashranu: Tehran. [In Persian]
- Niyazi, Sh., & Ghasemi Asl, , Z. (2017). *Models of Translation Evaluation (based on Arabic language)*. First Edition. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Nazimian, R. (2010). *The Approaches to Translating from Arabic to Persian*. Fifth Edition. Tehran: Samt. [In Persian]
- Sanati Far, N. (2019). *An Introduction to the Theoretical Foundations of Translation*. First Edition. Tehran: Neshar Elami. [In Persian]
- Zarkoub, M. (2009). *New Method of Translation (Arabic-Persian-Persian-Arabic)*. Isfahan: Mani Publications.

---

**استناد به این مقاله:** کبیری، محمد، حشمتی، بهزاد و تاند، بایزید. (۱۴۰۱). مقایسه ساختار ترجمه عربی و فارسی رمان «پیامبر» جبران خلیل جبران (براساس الگوی کارمن گارسس). *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۲(۲۷)، ۳۷-۶۷. doi: 10.22054/RCTALL.2022.69296.1640



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.